

## تعدیل اقتصادی

الف) نتایج مثبت

۱- افزایش درآمدهای دولت و کاهش کسری بودجه، واقعی شدن قیمت‌ها، افزایش تقاضا برای نیروی کار و سرمایه به کار گرفته شده در بخش تولید کالاهای ضروری که مشمول یارانه‌ها بوده است. بهبود وضع زندگی برای شاغلان در بخش تولید کالاهای ضروری.

۲- تخصیص بهینه منابع، افزایش رقابت و کارایی، افزایش تولید و عرضه کالایی که پیشتر مشمول یارانه بوده است (کالاهای ضروری)، کاهش شاخص قیمت‌های کالاهای ضروری، تغییر در ترکیب تولید ملی به سود کالاهای ضروری، محدود شدن حجم دولت و فعال شدن بخش خصوصی.

۳- افزایش توان صادراتی و دریافت‌های ارزی.

ب) نتایج منفی

۱- افزایش فوری قیمت کالاهای ضروری و شاخص عمومی قیمت‌ها، افزایش فشار به قشر متوسط و فقیر، افزایش بیکاری به علت تعطیل شدن تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی، تشدید شکاف طبقاتی، گسترش و تعمیق بزهکاری و روجیه دلالی و واسطه‌گری.

۲- افزایش واردات و یارانه‌ها و کسر بودجه دولتی.

در کشورهای در حال توسعه، شدت نتایج منفی قویتر از نتایج مثبت است. به عنوان مثال شدت افزایش شاخص قیمت کالاهای بیش از شدت افزایش نرخ دستمزد شاغلان در تولید کالاهای ضروری است. این روند در سالهای ۱۳۶۹-۷۴ در ایران رخ داد. هر چه مبالغ یارانه‌های پرداختی در کشور بیشتر باشد، در زمان انجام تعدیل، نرخ تورم رشد بیشتری می‌کند. نتیجه تعدیل بر سطح اشتغال به میزان دانش، مهارت و کارایی نیروی کار و حجم شاغلان در تولید کالاهای مشمول یارانه بستگی دارد.

هر چه بهره‌وری نیروی کار بالاتر و حجم شاغلان کمتر باشد، اعمال سیاست تعدیل اقتصادی، بیکاری را کمتر گسترش می‌دهد.

بحرانهای اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به صورت رکود تورمی روی می‌دهد. رکود تورمی را نمی‌توان با یک سیاست مشخص یکطرفه، کنترل و برطرف کرد. سیاستهایی که مناسب برطرف کردن حالت تورمی باشد، رکود را تشدید و سیاستهایی که مناسب برطرف کردن رکود باشد تورم را تشدید می‌کند.

متأسفانه این نکات، کمتر در سیاستهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. یکی از علت‌های رعایت نکردن این نکات، ناتوانی در تشخیص و تفکیک آثار و نتایج متعدد و گاه متضادی است که این سیاستها به دنبال می‌آورد. سیاستهای پولی-مالی-ارزی-رفاهی یا تعدیل اقتصادی و پدیده‌هایی مانند تورم یا دریافت وام‌های خارجی، دارای نتایج مختلف و گاه متضادی است که با هم یا با یک فاصله زمانی اندک روی می‌دهد.

نتایج منفی و قوی این سیاستها و اقدامها مانع از تحقق اهداف مورد نظر می‌شود. به منظور شناخت و درک میزان تحقق اهداف مورد نظر، سیاستگذاران اقتصادی جهان سوم باید این نتایج را پیشاپیش شناسایی کنند. در این نوشته نتایج قابل تصور سیاستها و پدیده‌های مختلف اقتصادی به تفکیک ارائه می‌شود.

در این زمینه توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- سعی شده است که همه آثاری که در یک دوره کامل (تقریباً یکساله) می‌تواند برای یک سیاست روی دهد، ارائه شود.

۲- این نتایج به تفکیک مثبت (مناسب) و منفی (نامناسب) ارائه شده است.

۳- نتایجی که با شماره ۱ ارائه شده است از نظر زمانی سریعتر از نتایج شماره ۲ روی می‌دهد، اگر چه ممکن است که قدرت آنها بیشتر نباشد.

۴- ضعف یا قوت نتایج این سیاستها از کشور به کشور و زمان به زمان متفاوت است. ضعف یا قوت نتایج، تحت تأثیر تعداد سیاستهایی که در یک زمان اعمال می‌شود نیز قرار دارد، اما در هر حال، همه این سیاستها و اقدامها دارای نتایج ذکر شده است.

# جمع افساد در اقتصاد

دکتر مسعود نونزاد

### ○ بحرانهای اقتصادی در

کشورهای در حال توسعه به صورت رکود تورمی روی می دهد. رکود تورمی را نمی توان با یک سیاست مشخص یکطرفه کنترل و برطرف کرد، چون راهکارهای برطرف کردن حالت تورمی، وضع رکودی را تشدید و راهکارهای برطرف کردن وضع رکودی، تورم را تشدید می کند و متأسفانه این نکات کمتر در سیاستهای اقتصادی این کشورها در نظر گرفته می شود.

چپ در اثر افزایش نرخ ارز شدید باشد، ارزش واردات کشور سخت کاهش می یابد و سرمایه گذاریها و تولید ملی به شدت محدود می شود و بیکاری گسترش می یابد. در این حالت، رکود تولید اثر ویژه ای بر افزایش نرخ تورم خواهد داشت، درحالی که کاهش قیمت هر واحد از کالاهای وارداتی نرخ تورم را تعدیل می کند. اثر نهایی سیاست افزایش نرخ ارز بر تولید ملی و صادراتی کشور نیز بستگی به کشش منحنی تقاضای کشور مقابل برای صادرات کشور ما و کشش منحنی عرضه صادرات کشور دارد. سرانجام افزایش نرخ ارز موجب انتقال منحنی عرضه صادرات کشور به راست می شود و این امر قیمت هر واحد از آن را کاهش و در مقابل مقدار صادرات را افزایش می دهد و نتیجه نهایی، بستگی به مقایسه شدت تغییرات قیمت و مقدار صادرات دارد. اثر نهایی تغییر نرخ ارز بر تراز پرداختها نیز بستگی به تغییر در ارزش واردات و صادرات کشور دارد. برای کشورهای در حال توسعه منحنی های تقاضای صادرات و عرضه صادرات بی کشش هستند و شدت کاهش قیمت هر واحد از کالاهای صادراتی بیش از شدت افزایش فیزیکی صادرات است. همچنین کاهش واردات کالاهای سرمایه ای نیز موجب تعطیلی فعالیتهای کارخانه ها و گسترش بیکاری می شود. در هر صورت نتایج منفی به شکل نرخ بالاتر تورم و گسترش بیکاری نمود بیشتری می یابد.

### ۳- سیاست افزایش کسری

#### بودجه دولت

##### الف) نتایج مثبت

۱- افزایش هزینه های خدماتی و عمرانی سازمانها و شرکتهای دولتی - افزایش اشتغال - تقاضا و رفاه جامعه به دلیل گسترش خدمات رفاهی دولتی.

۲- افزایش تولید و توان صادراتی و دریافت های ارزی، کاهش نرخ تورم به همین دلیل و کاهش کسری تراز پرداختها

##### ب) نتایج منفی

۱- افزایش حجم پول در گردش و سطح

افزایش تولید و عرضه کالاهای یارانه ای و بنابراین کاهش شاخص قیمت های این کالاهای، بستگی به توان بخشهای مربوطه به تطبیق خود با وضع جدید و امکان دستیابی آنها به نهاده های مکمل و سازماندهی امکانات در این بخشها دارد.

افزایش نرخ ارز موجب افزایش فوری درآمدهای دولت می شود، اما از سوی دیگر موجب افزایش شدیدتر کسر بودجه و یارانه ها می شود. این امر به علت رشد شدید نرخ تورم و افزایش فشار به قشر متوسط است و دولتها برای پیشگیری از بروز نارضایتیهای اجتماعی، مبادرت به وضع مجدد یارانه ها می کنند.

### ۲- افزایش نرخ ارز

#### الف) نتایج مثبت

۱- افزایش درآمدهای دولت، کاهش کسر بودجه دولت، افزایش ارزش صادرات، کاهش ارزش واردات کالاهای بویژه کالاهای مصرفی، افزایش دریافت های ارزی و کاهش کسری تراز پرداختها.

۲- تغییر در ترکیب تولید ملی به سود کالاهای صادراتی و جایگزین کردن واردات مصرفی، افزایش سرمایه گذاریها و تولید ملی به علت باصرفه تر شدن تولید کالاهای صادراتی و جایگزین واردات.

#### ب) نتایج منفی

۱- گرانتر شدن قیمت هر واحد از کالاهای وارداتی از جمله واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای، کاهش واردات ماشین آلات و کالاهای واسطه ای کاهش سرمایه گذاریها و تولید ملی، گسترش بیکاری.

۲- افزایش نرخ تورم به علت گرانتر شدن واردات و کاهش تولید، نابرابر شدن توزیع درآمدها، افزایش فعالیتهای واسطه ای و دلالی، کاهش توان صادراتی و دریافت های ارزی به علت تورم و کاهش تولید ملی، افزایش کسری تراز پرداختها.

به این ترتیب در اثر افزایش نرخ ارز، تولید ملی می تواند افزایش یا کاهش یابد، توان صادراتی نیز می تواند هم افزایش و هم کاهش یابد. نتیجه نهایی بستگی به شدت نتایج فوق دارد. در صورتی که میزان انتقال منحنی تقاضای واردات کشور به سمت

برای وام است. از سوی دیگر، افزایش نرخ بهره موجب افزایش شدید در حجم پس اندازها نمی شود زیرا هزینه فرصتی پس اندازها که به شکل درآمدهای از دست رفته در اثر خرید نکردن کالاهای مصرفی بادوام، یا زمین و ارز بروز می کند، شدید است. بنابراین این شدت رشد نرخ تورم بیش از شدت کاهش آن و شدت افزایش کسری تراز پرداختها بیش از کاهش آن است.

## ۵- افزایش مالیاتهای مستقیم بر

### حقوق و درآمدها

#### الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش درآمدها و کاهش کسری بودجه دولت، کاهش نرخ تورم به دلیل کاهش حجم تقاضای کل
- ۲- افزایش هزینه های دولتی و اشتغال و تولید و کاهش بیشتر نرخ تورم، افزایش ارزش صادرات و دریافت های ارزی کشور و کاهش در کسری تراز پرداختها به علت کاهش نرخ تورم

#### ب) نتایج منفی

- ۱- کاهش درآمد قابل تصرف افراد و کاهش پس انداز کل
  - ۲- افزایش نرخ بهره، کاهش سرمایه گذارها و تولید و اشتغال در بخش خصوصی - افزایش نرخ تورم به علت افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه گذارها و افزایش مخارج دولتی - کاهش توان صادرات و دریافت های ارزی - افزایش کسری در تراز پرداختها.
- اثر نهایی این وضع بر اشتغال و تولید جامعه بستگی به برآیند آثار افزایش نرخ بهره بر حجم سرمایه گذارها و میزان افزایش مخارج دولتی و نیز بستگی به چگونگی سازماندهی و تجهیز امکانات در بخشهای خصوصی و دولتی دارد.

اثر نهایی بر تورم بستگی به برآیند آثار ناشی از کاهش تقاضای کل و افزایش تولید توسط بخش دولتی از یک سو و افزایش هزینه های تولید ناشی از افزایش نرخ بهره و کاهش تولید ناشی از کاهش سرمایه گذارها در بخش غیردولتی و افزایش تقاضا ناشی از افزایش مخارج دولتی، از سوی دیگر دارد. باز هم شدت نتایج منفی قویتر از نتایج مثبت است و مردم پس از کاهش درآمد قابل تصرف، بیش از

تقاضای سازمانها و شرکتهای دولتی برای بکارگیری منابع، افزایش نرخ تورم به همین علت

۲- افزایش سطح تقاضای مردم به علت افزایش در آمد آنان، تشدید نرخ رشد تورم به همین دلیل، افزایش واردات، کاهش ارزش صادرات، تشدید کسری در تراز پرداختها به علت افزایش سطح تقاضای جامعه

افزایش اشتغال بستگی به سهم هزینه های عمرانی دولت در کل کسری بودجه و چگونگی سازماندهی امکانات و شیوه های تولید در بخشهای مربوطه (کاربری یا سرمایه بری) دارد. با توجه به کم کشش بودن منحنی عرضه و بالا بودن میل نهایی به مصرف در کشورهای در حال توسعه، نتایج منفی شدیدتر از نتایج مثبت روی می دهد و نرخ رشد قیمتها بیش از نرخ رشد تولید و اشتغال است، همچنین اثر منفی کسری بودجه بر کسری در تراز پرداختها نیز قوی تر از اثر مثبت آن است.

## ۶- افزایش نرخ بهره

#### الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش پس اندازها و کاهش حجم تقاضا
- ۲- کاهش نرخ تورم به علت کاهش حجم تقاضا، جذب سرمایه های ارزی خارجی، کاهش کسری در تراز پرداختها

#### ب) نتایج منفی

- ۱- افزایش هزینه های تولید و نرخ تورم
- ۲- کاهش حجم استقرار و سرمایه گذارها، کاهش تولید و اشتغال، کاهش ارزش صادرات و افزایش واردات کشور، افزایش کسری در تراز پرداختها.

نتیجه نهایی افزایش نرخ بهره و تورم به برآیند شدت کاهش تقاضا و افزایش هزینه های تولید بستگی دارد. میزان افزایش هزینه های تولید نیز خود بستگی به سهم نرخ بهره در کل هزینه های تولید دارد و هرچه این سهم بیشتر باشد، نرخ رشد هزینه ها نیز بیشتر است. با توجه به کمبود منابع پولی و نبود بازار مناسب بورس و سرمایه، افزایش نرخ بهره موجب کاهش کمی در استقرار برای سرمایه گذارها می شود. به عبارت دیگر وابستگی تولیدکنندگان به این وامها شدید است. بنابراین شدت افزایش نرخ بهره بیش از شدت کاهش تقاضا

## ○ در کشورهای در حال

توسعه اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی پیامدهایی دارد شامل: افزایش فوری قیمت کالاهای ضروری و شاخص قیمتها، افزایش فشار به قشر متوسط و فقیر، افزایش بیکاری به علت تعطیل شدن تعدادی از بنگاههای اقتصادی، تشدید شکاف طبقاتی، گسترش بزهکاری و روحیه واسطه گری و افسزایش واردات و یارانه ها و کسری بودجه دولتی.

آنکه از تقاضای خود بکاهند از پس اندازه‌های خود می‌کاهند و نرخهای بهره و به دنبال آن هزینه‌های تولید به شدت افزایش و حجم سرمایه‌گذارها و تولید و اشتغال کاهش می‌یابد و باز هم نرخ تورم تشدید می‌شود. بنابراین تأثیر این سیاست بر تراز پرداختهای کشورهای در حال توسعه در میان مدت، منفی است.

### ۶- افزایش مالیات بر سود شرکتها

الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش درآمدها و کاهش کسری بودجه دولت
- ۲- افزایش هزینه‌های دولتی و اشتغال و تولید، کاهش نرخ تورم، افزایش ارزش صادرات و کاهش کسری تراز پرداختها

ب) نتایج منفی

- ۱- کاهش سود توزیع نشده شرکتها، افزایش نرخ تورم به دلیل افزایش هزینه‌های دولتی
  - ۲- کاهش سرمایه‌گذارها و اشتغال و تولید، افزایش نرخ تورم، کاهش ارزش صادرات و افزایش واردات کشور و افزایش کسری در تراز پرداختها
- اثر نهایی این وضع بر اشتغال و تولید بستگی به برآیند آثار افزایش هزینه‌های دولتی و کاهش سرمایه‌گذارها توسط بنگاهها دارد. با توجه به آنکه در کشورهای در حال توسعه هزینه‌های دولتی بیشتر در زمینه گسترش خدمات صرف می‌شود تولید کالا و میزان اشتغال در آن بخش در نهایت را کم می‌ماند. نرخ تورم نیز بستگی به برآیند آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر تولید از یک طرف و کاهش سرمایه‌گذارها بر آن از طرف دیگر و نیز بستگی به اثر افزایش هزینه‌های دولتی بر تقاضای کل دارد. در جهان سوم اثر تورم‌زایی هزینه‌های دولتی بیش از اشتغال‌زایی آن است. در این حالت کاهش سرمایه‌گذارها و اشتغال و تولید در بخش خصوصی ناشی از کاهش سود توزیع نشده شرکتها و تضعیف انگیزه‌های آنها است. در واقع در کشورهای در حال توسعه سودهای توزیع نشده شرکتها منابع اساسی بنگاهها برای گسترش فعالیتها محسوب می‌شود، بنابراین در نهایت نرخ تورم تشدید می‌شود، سطح اشتغال کاهش می‌یابد و تعادل تراز پرداختها برهم می‌خورد.

الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش دریافت‌های ارزی، افزایش سرمایه‌گذارها و رشد تولید و اشتغال - کاهش نرخ ارز - کاهش کسری در تراز پرداختها.
- ۲- کاهش نرخ تورم به علت افزایش تولید در مرحله اول و به دلیل کاهش سطح تقاضای کل در مرحله دوم، بهبود تراز پرداختها به علت افزایش نرخ ارز در مرحله دوم.

ب) نتایج منفی

- ۱- افزایش نرخ تورم به علت افزایش سطح تقاضای کل، کاهش ارزش صادرات و افزایش ارزش واردات به علت رشد نرخ تورم و کاهش نرخ ارز.
- ۲- خروج ارز به علت بازپرداخت اصل و فرع وامها، افزایش نرخ ارز، کاهش سرمایه‌گذارها و اشتغال و تولید به علت بازپرداخت وامها و افزایش نرخ ارز و گرانتر شدن ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای و وارداتی، کاهش شدید تراز پرداختها به علت کاهش تولید.

به‌علاوه سازماندهی نکردن مناسب عوامل و منابع و کمبود نهاده‌های مکمل و بالا بودن میل نهایی به مصرف، وامهای خارجی بیش از آنکه تولید، اشتغال و صادرات را افزایش دهد، باعث رشد نرخ تورم، واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی می‌شود. در واقع با توجه به اینکه معمولاً طرحهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه طبق برنامه‌های زمان‌بندی شده به اهداف خود نمی‌رسد پیش از افزایش تولید، زمان بازپرداخت وامها و بروز نتایج منفی مرحله دوم فرا می‌رسد و رکود تورمی تشدید می‌شود. بعنوان مثال وضع سالهای ۷۵ تا ۷۷ در ایران، نمودی از تشدید حالت رکود تورمی ناشی از بازپرداخت وامهای خارجی دریافت شده طی سالهای ۷۰ تا ۷۴ بوده است.

### ۸- افزایش یارانه‌ها به تولید

الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش تقاضا برای نهاده‌ها و منابع، افزایش تولید و اشتغال

○ هر چه مبالغ یارانه‌های پرداختی در کشور بیشتر باشد، در زمان انجام تعدیل اقتصادی، نرخ تورم رشد بیشتری می‌کند. نتیجه تعدیل بر سطح اشتغال به میزان دانش، مهارت و کارایی نیروی کار و حجم شاغلان در تولید کالاهای مشمول یارانه بستگی دارد. هر چه بهره‌وری نیروی کار بیشتر و حجم شاغلان کمتر باشد، اعمال سیاست تعدیل اقتصادی، بیکاری را کمتر گسترش می‌دهد.



۲- افزایش توان صادراتی - کاهش واردات - کاهش نرخ تورم - تعدیل کسری در تراز پرداختها که همگی به علت افزایش تولید تحقق می‌یابد.

#### ب) نتایج منفی

۱- افزایش کسری بودجه دولت به علت افزایش یارانه‌ها، افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و مواد اولیه به منظور افزایش تولید، افزایش نرخ تورم به علت افزایش تقاضا برای خرید نهاده‌ها و واردات و سرانجام افزایش هزینه‌های تولید.

۲- کاهش در توان صادراتی به علت بروز تورم در مرحله فوق - افزایش کسری در تراز پرداختها به علت کاهش در توان صادراتی و افزایش تقاضا برای واردات.

به این ترتیب دیده می‌شود که نتایج کاملاً متضادی در این حالت می‌تواند روی دهد. در صورتی که این سیاست برای دوره بلندمدت چندین ساله به اجرا در آید، قدرت نتایج مثبت بیش از نتایج منفی خواهد بود. اما در میان مدت (برای دوره‌های یک تا چند ساله) نتیجه عکس خواهد بود. ضمناً در صورتی که تولید وابستگی شدیدی به واردات داشته باشد، نتایج منفی، نتایج مثبت را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### ۹- سیاست تشویق و افزایش صادرات

#### الف) نتایج مثبت

۱- افزایش دریافت‌های ارزی و تعدیل در کسری تراز پرداختها، رشد درآمد و افزایش حجم نقدینگی و تقاضا به علت افزایش درآمدهای ارزی صادرکنندگان - رشد اشتغال ملی

۲- افزایش بیشتر ارزش صادرات به دلیل افزایش توان تولید ملی

#### ب) نتایج منفی

۱- افزایش نرخ تورم به علت هدایت منابع به تولید کالاهای صادراتی و کاهش منابع مورد نیاز برای تولید کالاهای مورد مصرف داخلی و افزایش سطح تقاضای کل

۲- کاهش در ارزش صادرات و افزایش در ارزش واردات به علت رشد تورم و کاهش نرخ ارز، تشدید کسری در تراز پرداختها

در کشورهای جهان سوم، رشد درآمدهای ارزی ناشی از گسترش صادرات بیش از آنکه موجب رشد شدیدتر درآمد و تولید ملی و تعدیل در کسری در تراز پرداختها شود، به علت نبودن سازماندهی و تجهیز مناسب و کافی نهاده‌های مکمل، موجب رشد تورم و کاهش سطح زندگی می‌شود.

### ۱۰- افزایش نرخ دستمزد

#### الف) نتایج مثبت

۱- افزایش سطح تقاضای مزدبگیران برای کالاها و خدمات و توزیع مناسبتر درآمدها و بهبود وضع عدالت اجتماعی - بهبود روابط کار.

۲- افزایش بهره‌وری نیروی کار، افزایش تولید بویژه به سود تولید کالاهای مورد نیاز مزدبگیران، کاهش نرخ تورم.

۳- افزایش سطح آموزش و فرهنگ نیروی کار و کاهش نرخ رشد جمعیت به علت افزایش توان مالی نیروی کار.

#### ب) نتایج منفی

۱- افزایش نرخ تورم به علت افزایش سطح تقاضای قشر متوسط برای کالاها و خدمات و بالا بودن میل نهایی به مصرف آنان و تشدید نرخ تورم به علت افزایش هزینه‌های تولید.

۲- افزایش نرخ رشد جمعیت به علت افزایش رفاه نیروی کار.

بی‌گمان در میان مدت، قدرت نتایج مثبت ناشی از افزایش نرخ دستمزدها بیش از قدرت نتایج منفی است. به عنوان مثال افزایش بهره‌وری نیروی کار نه تنها نیاز به بهبود پرداختها به نیروی کار دارد، بلکه نیاز به فراهم شدن سایر شرایط مانند در دسترس قرار گرفتن سایر نهاده‌ها، تقسیم کار صحیح و اعمال مدیریت صحیح و قوانین شفاف دارد.

بنابراین افزایش بهره‌وری نیروی کار در جهان سوم به گندی صورت می‌گیرد، اما به علت بالا بودن میل نهایی به مصرف، افزایش نرخ دستمزدها منجر به افزایش فوری و شدید نرخ تورم می‌شود.

همچنین در کوتاه‌مدت ارتقای سطح زندگی نیروی کار، نرخ رشد جمعیت را افزایش می‌دهد، مگر آنکه ارتقای سطح فرهنگی نیروی کار توأم با رشد

○ افزایش نرخ ارز موجب افزایش فوری درآمدهای دولت می‌شود، اما از سوی دیگر افزایش شدیدتر کسری بودجه و یارانه‌ها را در پی دارد. این امر معلول رشد شدید نرخ تورم و افزایش فشار به قشر متوسط جامعه است.

واردات و کاهش تولید - کاهش رفاه - کاهش توان صادراتی کشور و افزایش کسری در تراز پرداختها.

نتیجه نهایی این سیاست بر سطح اشتغال، تولید و رفاه ملی و نیز بر توان صادراتی کشورهای جهان سوم منفی است. بی گمان منابع جمع آوری شده در خزانه دولت از محل گمرکات، بیشتر صرف گسترش خدمات دولتی و آهم از نوع اداری (و کمتر اجتماعی) می شود و محصول ناخالص ملی را از طریق گسترش بخش خدمات افزایش می دهد. در حالی که بخش تولیدی به دلیل کاهش واردات نیازهای سرمایه ای و واسطه ای خود، سرمایه گذاری کمتری را صورت می دهد و بخش کالایی محصول ناخالص ملی محدودتر می شود.

اثر منفی این سیاست بر نرخ تورم قوی تر از اثر مثبت آن است و در نهایت نرخ تورم افزایش چشمگیری می یابد و علت آن نیز در ماهیت مخارج دولتی نهفته است که بیشتر جنبه خدماتی دارد تا تولیدی.

### ۱۳- افزایش نرخ حقوق و عوارض

#### گمرکی و سود بازرگانی بر واردات کالاهای مصرفی

(الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش درآمدها و کاهش کسر بودجه دولتی
- ۲- افزایش هزینه های دولتی و به دنبال آن افزایش اشتغال و محصول ناخالص ملی، افزایش رفاه به دلیل افزایش خدمات دولتی، افزایش مصرف کالاهای داخلی مشابه کالاهای وارداتی.
- ۳- افزایش تولید داخلی این کالاها - کاهش نرخ تورم، به علت رشد تولید و کاهش کسر بودجه، افزایش توان صادراتی و دریافت های ارزی - کاهش در کسری تراز پرداختها

(ب) نتایج منفی

- ۱- گرانتر شدن واردات کالاهای مربوطه - افزایش نرخ تورم به علت گرانتر شدن واردات و کاهش فیزیکی این واردات.
- ۲- کاهش فضای رقابتی برای محصولات مشابه داخلی، کاهش کیفیت کالاهای داخلی -

شدیدتر قیمتتها، این نرخ را در بلندمدت کنترل کند.

### ۱۱- تشویق و افزایش پس انداز

#### (کاهش مصرف)

(الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش امکانات وام دهی، کاهش نرخ بهره
- ۲- افزایش سرمایه گذاری - تولید - اشتغال ملی، کاهش نیاز به استقراض خارجی
- ۳- کاهش نرخ تورم به علت کاهش سطح تقاضا و هزینه تولید، افزایش ارزش صادرات و دریافت های ارزی به علت کاهش نرخ تورم و افزایش تولید، کاهش کسری در تراز پرداختها

(ب) نتایج منفی

- ۲- کاهش انگیزه سرمایه گذاری و تولید به علت کاهش سطح تقاضای کل جامعه
- شاید بتوان گفت که تنها سیاستی که نتایج مثبت آن قویتر از آثار منفی آن است، سیاست افزایش پس اندازها است، اما در این مورد نیز شدت آثار مثبت ضعیف است و منابع جمع آوری شده به طور مناسب در زمینه سرمایه گذاریهای موکد و تولید اشتغال به کار گرفته نمی شود. در واقع بخش عمده این منابع در بخشهای زود بازده خدماتی و تجاری به کار گرفته می شود.

### ۱۲- افزایش نرخ حقوق و عوارض

#### گمرکی و سود بازرگانی بر واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای

(الف) نتایج مثبت

- ۱- افزایش درآمدها و کاهش کسر بودجه دولتی
- ۲- افزایش هزینه های دولتی - افزایش اشتغال و تولید ملی و افزایش رفاه
- ۳- کاهش نرخ تورم به علت کاهش کسر بودجه دولتی، افزایش تولید اینگونه کالاها در داخل و افزایش تولید ملی

(ب) نتایج منفی

- ۱- گرانتر شدن واردات کالاهای مربوطه
- ۲- کاهش واردات این کالاها - کاهش سرمایه گذاریها و تولید و اشتغال ملی
- ۳- افزایش نرخ تورم به علت گرانتر شدن

○ با افزایش مالیاتهای مستقیم بر حقوق و درآمدها، مردم پس از کاهش درآمدهای قابل تصرف، از پس اندازهای خود می کاهند و به دنبال آن هزینه های تولید به شدت افزایش و حجم سرمایه گذاریها و تولید و اشتغال کاهش می یابد و باز هم نرخ تورم تشدید می شود.

کاهش رفاه جامعه، کاهش توان صادراتی و دریافت‌های ارزی-افزایش در کسری در تراز پرداختها- تشدید نرخ تورم به علت افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی مشابه.

شدت نتایج منفی در اعمال این سیاست، ضعیفتر از اعمال سیاست افزایش حقوق و عوارض گمرکی بر واردات کالاهای سرمایه‌ای است. بی‌گمان در جهان سوم جایگزین کردن واردات کالاهای سرمایه‌ای با تولیدات داخلی نیاز به زمان طولانی‌تری دارد و وابستگی تولید ملی به واردات آنها بیشتر از وابستگی به واردات کالاهای مصرفی است، بنابراین اعمال سیاست افزایش حقوق و عوارض گمرکی بر واردات کالاهای مصرفی نرخ تورم را کمتر افزایش می‌دهد.

اما در اینجا نیز شدت نتایج منفی به صورت تشدید نرخ تورم و کاهش توان صادراتی شدیدتر از نتایج مثبت به صورت رشد تولید است. علت چنین امری نیز در بی‌کشش بودن منحنی عرضه کل به علت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

## ۱۴- سیاست تورمی کردن جامعه (نتایج افزایش نرخ تورم)

### الف) نتایج مثبت

- ۱- کاهش مصرف کل، افزایش درآمدهای دولتی
- ۲- افزایش مخارج دولتی و رفاه جامعه، سرمایه‌گذارها و تقاضا برای منابع.
- ۳- افزایش تولید ملی- کاهش نرخ تورم- افزایش ارزش صادرات و کاهش در واردات به علت کاهش نرخ تورم و افزایش تولید ملی.

### ب) نتایج منفی

- ۱- افزایش مصرف کل به دلیل تمایل به حفظ سطح رفاه پیشین و انتظار افزایش بیشتر قیمت‌ها، کاهش پس‌اندازهای جامعه و افزایش نرخ بهره، تشدید نرخ تورم به علت افزایش هزینه‌های تولید و افزایش سطح تقاضای کل جامعه، انحراف منابع از تولید به فعالیتهای دلالی و واسطه‌گری. نابرابر شدن توزیع درآمدها، کاهش صادرات و تشدید

کسری در تراز پرداختها.  
۲- کاهش سرمایه‌گذارها و تولید به علت افزایش هزینه‌های تولید، تشدید کسری بودجه دولت به علت افزایش هزینه‌ها- تشدید بیشتر نرخ تورم و تشدید وضع فوق.

در این زمینه نیز شدت آثار منفی قوی‌تر از شدت آثار مثبت است. تورم بیش از آنکه باعث کاهش مصرف شود، به آن دامن می‌زند و موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و باز هم زمینه تشدید خود را فراهم می‌آورد. در واقع وضع رکود تورمی تشدید می‌شود.

## نتیجه

در کشورهای عقب مانده و در حال توسعه، میل نهایی به مصرف در حد بالا و میل نهایی به پس‌انداز و کشش قیمتی عرضه کل و عرضه صادرات در حد پایینی قرار دارند. همچنین الگوی مصرف، بیشتر به سود واردات است و بخش تولید نیز به شدت به تکنولوژی و سرمایه‌های وارداتی وابسته است.

بنابراین شدت و توان نتایج منفی سیاست‌های مالی-پولی-رفاهی و بازرگانی بیش از شدت آثار مثبت آن است و برآیند نتایج مثبت و منفی این سیاست‌ها در کوتاه و میان مدت، تشدید وضع رکود تورمی است.

## منابع فارسی

۱. رودیگر دورنیوس، اف‌لزلی، سی. اچ هلمبرز، اقتصاد آزاد- ابزاری برای سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مترجمان: دکتر غلامرضا آزاد- اصغر شاهمرادی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴
۲. آن کروگر، اصلاح سیاست‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مترجمان: دکتر نادر حبیبی، دکتر محمد طیبیان، دکتر غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۴
۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۵
۴. دکتر علیرضا بروجردی، سیاست‌های اقتصادی کلان و

○ در جهان سوم اثر تورم‌زایی هزینه‌های دولتی بیش از اشتغال‌زایی آن است. در این حالت کاهش سرمایه‌گذارها و اشتغال و تولید در بخش خصوصی ناشی از کاهش سود توزیع نشده‌شرکتها و تضعیف انگیزه‌های آنهاست که به افزایش نرخ تورم و کاهش سطح اشتغال می‌انجامد.

۱۳. شرکت سرمایه‌گذاری سازمان صنایع ملی ایران، خصوصی سازی: از تئوری تا عمل (مجموعه مقالات)، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۴
۱۴. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۵
۱۵. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲، بهار ۷۶
۱۶. ژولیوس نایرره، چالش جنوب، گزارش کمیسیون جنوب، مترجم ایراهیم خلیلی، نشر قومس، تهران ۱۳۷۶

### منابع خارجی

1. R.E. Looney, A Development Strategy for Iran throughout the 1980s (New York, Praeger Publishers, 1971)
2. Targeted Programs for The Poor during Stracural Adjustment, A Summary of a Symposium on Poverty and Adjustment, April 1988, World Bank, Washington, D.C. 1988.
3. Richard and yohan waterby, A Political Economy of Middle East; Calss and Economic Development, Alan Richards Wester Press, copyright, 1990.
4. Doroodian, K, 1993, "Macro- economic performance and adjustment under policies commonly supported by the IMF", Economic Development and Cultural change.
5. Jacob Meerment, Public Expenditures in Malaysia: Who benfits and why? oxford University Press, 1974.

- اصلاحات ساختاری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۳
۵. پروانه کمالی دهکردی، سیاستهای تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، غنا، و جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۲
۶. دکتر احمد ساعی، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی-سیاسی جهان سوم، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۴
۷. زاك لو کایون، فلیکس پاکرت و... بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، مترجم: احمد اخوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۳
۸. فیدل کاسترو، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، مترجم: غلامرضا نصیرزاده، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴
۹. هانس سنگریان تین برگن،... اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه (مجموعه مقالات)، مترجم: عزیز کیاوند، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارك اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، تهران ۱۳۶۹
۱۰. دکتر غلامحسین خورشیدی، گفتارهای اقتصادی (جلد دوم)، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴
۱۱. دیوید وودوارد، تعدیل اقتصادی، بحران بدهی و فقر در کشورهای در حال توسعه، مترجم: دکتر غلامرضا آزاد-محمود محمدیان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵
۱۲. ابوالقاسم نادری، مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۱

### ○ دریافت و امه‌های خارجی

بیش از آنکه تولید، اشتغال و صادرات را افزایش دهد، باعث رشد نرخ تورم و ورود کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای و مصرفی می‌شود و چون معمولاً طرحهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه طبق برنامه زمان‌بندی شده به اهداف خود نمی‌رسد، پیش از افزایش تولید، زمان بازپرداخت و امه‌ها و بروز نتایج منفی فرامی‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی